

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۸/۲۲
تاریخ بررسی مقاله: ۸۵/۹/۱۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۵/۱۱/۱۶
مجله علوم تربیتی و روانشناسی
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز ۱۳۸۵
دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۳
ص: ۸۰-۵۳

شناسایی و مقایسه گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل شهر اهواز و همسران آنان از لحاظ سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی

دکتر مهناز مهربابی زاده هنرمند*
مهناز علی اکبری دهکردی**
دکتر بهمن نجاریان*
دکتر حسین شکرکن*
دکتر منیجه شهنی ییلاق*

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و مقایسه گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان از لحاظ سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی بود. جهت دستیابی به این هدف، از کلیه سازمانها، ادارات و شرکتهای دولتی شهر اهواز به روش تصادفی طبقه‌ای ۸۲۴ زن شاغل و همسران آنان (در مجموع ۱۶۴۸ نفر) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری عبارت بودند از، مقیاس نقش جنسی بَم، فرم کوتاه مقیاس سلامت عمومی، مقیاس سنجش خانواده و مقیاس هوش هیجانی پترایدز و فارنهام. نتایج این پژوهش نشان دادند که سنخ جنسیتی آندروژن در زنان شاغل و سنخ جنسیتی آندروژن در همسران زنان شاغل به طور معنی‌داری از سنخهای جنسیتی دیگر بیشتر بود و نیز گروه ترکیبی زوجین، زن آندروژن- همسر آندروژن به طور معنی‌داری از گروههای ترکیبی دیگر بیشتر بود. زنان شاغل و همسران آنان در همه گروههای ترکیبی نه گانه

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران

** عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور تهران

سنخهای جنسیتی زوجین از سلامت روانی خوبی برخوردار بودند و بین سلامت روانی این گروهها تفاوت معنی داری وجود نداشت. بین رضایت زناشویی گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی زوجین (زنان شاغل و همسران آنان) تفاوت معنی دار وجود داشت. رضایت زناشویی گروه ترکیبی مردانه- مردانه به طور معنی داری از گروههای ترکیبی دیگر بیشتر بود. بین هوش هیجانی گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی زوجین (زنان شاغل و همسران آنان) تفاوت معنی دار مشاهده شد. در این ارتباط، هوش هیجانی گروههای ترکیبی زوجین آندروژن- زنانه و زنانه- آندروژن به طور معنی داری از گروه ترکیبی زوجین مردانه- مردانه بیشتر بود.

کلیدواژگان: سنخ جنسیتی، سنخ زنانه، سنخ مردانه، سنخ آندروژن، زنان شاغل، سلامت روانی، رضایت زناشویی، هوش هیجانی

مقدمه

"جنسیت" به خصوصیات رفتاری، اجتماعی و روانی مردان و زنان، تحت عنوان زنانه بودن یا مردانه بودن^۸، اشاره می کنند. همچنین، اصطلاح تفاوتهای جنسیتی^۹ برای تفاوتهای ناشی از یادگیری و نقشهای اجتماعی زنان و مردان استفاده می شود و اصطلاح تفاوتهای جنسی^{۱۱} برای اشاره کردن به تفاوتهای فطری یا زیست شناختی موجود بین زنان و مردان کاربرد دارد (وودهییل و سامونلز، ۲۰۰۴)؛ در حالی که برخی از صاحب نظران نظریه های جنسیت، اصطلاح نقش جنسی^{۱۱} را معادل اصطلاح نقش جنسیتی به کار می برند (از جمله بم^{۱۲}، ۱۹۷۴

نقش جنسیتی^۱ اصلی ترین و تعیین کننده ترین عنصر هویت می باشد (وودهییل و سامونلز^۲، ۲۰۰۳). بر اساس نظریه رشد اریکسون^۳ (۱۹۵۰)، به نقل از وودهییل و سامونلز، ۲۰۰۳) یکی از تکالیف اصلی و مهم رشد، شکل گیری و تحول نقش جنسی در فرد است. در مورد شکل گیری هویت و نقش جنسی، «جنس^۴» و «جنسیت^۵» پایه و اساس این خصوصیات مهم انسان هستند (پرای زگودا و کریسلر^۶، ۲۰۰۰). از نظر لغت شناسی و دیدگاه حرفه ای «جنس» به جنبه های زیستی زن یا مرد بودن^۷ و

8- feminine or masculine
9- gender differences
10- sex differences
11- sex-role
12- Sandra Bem

1- gender- role
2- Woodhill & Samuels
3- Erikson
4- sex
5- gender
6- Pryzgod & Chrisler
7- female or male

و پری زگودا و کریسلر، ۲۰۰۰). به زعم رویکرد اجتماعی، اساس ویژگیها و رفتارهای افراد در اجتماع، بر مبنای جنسیت (یعنی خصوصیات روانی و اجتماعی) آنان نه جنس زیستی تعیین می شود و هیچ یک از صفات رفتاری به طور ذاتی، مردانه یا زنانه نیستند، بلکه این جامعه و فرهنگ حاکم بر آن است که صفات مربوط به یک جنس را مشخص می کند (دوس ول^۱، ۱۹۹۷، به نقل از وودهیل و سامونلز، ۲۰۰۳).

برای تبیین هویت و نقش جنسی، الگوهای بسیاری وجود دارد که مطابق نظر کرابیک و مک کریری^۲ (۲۰۰۰) می توان آنها را به سه گروه عمده تقسیم کرد:

۱- مدلهای پیوستاری و تک بعدی^۳: گروهی از روان شناسان به طور سنتی زنانگی و مردانگی را در دو نقش متضاد جنسیتی در دو کرانه یک بُعد منفرد می دانند، به طوری که مردانگی بالا موجب فقدان زنانگی است و بالعکس.

۲- مدلهای دو بعدی^۴: این مدلها از سال ۱۹۷۰ توسط پژوهشگرانی همچون بم (۱۹۷۴) و اسپنس، هلمریچ و استاپ^۵

(۱۹۷۵) پیشنهاد شدند. بر اساس این نظریه ها، مردانگی و زنانگی دو بعد جداگانه هستند به طوری که فرد می تواند در هر دوی این ابعاد بالا باشد.

۳- مدلهای چند بعدی^۶: این مدلها توسط پژوهشگرانی همچون کرابیک و مک کریری (۲۰۰۰) و وودهیل و سامونلز (۲۰۰۳) پیشنهاد شده اند. بر اساس نظرات این گروه، ابعاد هویت و نقشهای جنسی بیشتر از دو بعد هستند. به عنوان مثال، وودهیل و سامونلز (۲۰۰۳) چهار نقش جنسیتی زنانگی مثبت، زنانگی منفی، مردانگی مثبت و مردانگی منفی را به عنوان چهار بُعد و عامل جداگانه پیشنهاد کرده اند.

مروری بر ادبیات مربوطه در کشورها و فرهنگهای مختلف نشان می دهد که مدل دو بُعدی یا نظریه هایی که زنانگی و مردانگی را دو بُعد جداگانه می دانند بیشتر مورد توجه و تأیید قرار گرفته اند (گاستلو و گاستلو^۷، ۲۰۰۳؛ وارد^۸، ۲۰۰۰؛ زانگ، نورویلیتیز و جین^۹، ۲۰۰۱؛ اوستر و اُهم^{۱۰}، ۲۰۰۰؛ شیموناکا، ناکازاتو، کاوای و ساتو^{۱۱}، ۱۹۹۷).

6- multidimensional models

7- Guastello & Guastello

8- Ward

9- Zhang, Norvilitis & Jin

10- Auster & Ohm

11- Shimonaka, Nakazato, Kawai & Sato

1- Doswell

2- Korabik & McCreary

3- unidimensional models

4- biomensional models

5- Spence, Helmrich & Stapp

در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ۳۴٪ از شرکت کنندگان مرد و ۲۷٪ از شرکت کنندگان زن آندروژن، ۵۵٪ از شرکت کنندگان مرد، مردانه یا نزدیک به مردانه و ۵۴٪ از زنان زنانه یا نزدیک به زنانه بودند و تنها ۱۱٪ مردان به عنوان زنانه و ۲۰٪ زنان تحت عنوان مردانه یا نزدیک به مردانه طبقه‌بندی شدند. اسپنس و همکاران (۱۹۷۵) یک طبقه دیگر از سنخهای شخصیتی مبتنی بر نقش جنسی را به طبقات بم اضافه کردند و آن را طبقه نامتمایز^۲ نام گذاشتند. این عنوان برای کسانی است که در هر دو ویژگی زنانه و مردانه نمره پایین می‌آورند (به نقل از گاستلو و گاستلو، ۲۰۰۳).

امروزه با پیشرفت جوامع و گسترش نقش زنان در امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه و انجام برخی از وظایف خانه‌داری و بچه‌داری توسط مردها، تغییراتی در نقشهای جنسیتی و به دنبال آن سنخ جنسیتی که زنها و مردها دارا هستند، به وجود آمده است، به طوری که انتظار می‌رود سنخ جنسیتی آندروژنی روانی هم در زنها و هم در مردها زیادتیر از قبل وجود داشته باشد. قدیمی‌ترین پژوهشی که در رابطه با

بر اساس دیدگاه یا مدل دو بُعدی بم (۱۹۷۴) هر شخصی از لحاظ نقش - جنسیتی ممکن است دارای سه نوع شخصیت: (۱) زنانه، (۲) مردانه و (۳) آندروژن باشد. شخصیت مردانه مربوط به زنان یا مردانی است که در بُعد مردانه نمره بالا و در بُعد زنانه نمره پایین می‌آورند. به عبارت دیگر، رفتارها و خصایص مردانه را بیشتر از رفتارها و خصایص زنانه بروز می‌دهند (زانگ و همکاران، ۲۰۰۱). برخی از خصایص مردانه عبارتند از: پرخاشگری، استقلال، اقتدار، فعال بودن و به راحتی تصمیم گرفتن. شخصیت زنانه مربوط به زنان و مردانی است که در بُعد زنانه نمره بالا و در بُعد مردانه نمره پایین می‌آورند. به عبارت دیگر، رفتار و خصایص زنانه را بیشتر از رفتارها و خصایص مردانه نشان می‌دهند (زانگ و همکاران، ۲۰۰۱). برخی از خصایص زنانه عبارتند از: آرام بودن، نسبت به احساس دیگران حساس بودن و غم خوار و همدل بودن. شخصیت «آندروژن^۱ یا دو جنسیتی» به افرادی اطلاق می‌شود که در خصایص هر دو جنس زنانه و مردانه نمره بالا می‌گیرند (گاستلو و گاستلو، ۲۰۰۳؛ زانگ و همکاران، ۲۰۰۱). بم (۱۹۷۵)

است. به نظر بم (۱۹۷۸)، به نقل از نجاریان و خدارحیمی، (۱۳۷۷)، افراد آندروژن نسبت به هم‌تایان خود سنخ جنسیتی متمایزی دارند و از سلامت روان و کمال شخصیتی بهتری برخوردارند، با مفاهیم نقش جنسیتی جزمی محدود نمی‌شوند و از نظر پاسخدهی کارآمد به موقعیتهای گسترده‌تر، آزادترند. به نظر بم (۱۹۷۴) قبول کلیشه‌های مردانه صرف و یا زنانه صرف به معنای قبول ناسازگاری است. وی بر این عقیده است که باید به سوی یک دنیای آندروژن و بدون محدودیتهای جنسی قدم برداریم.

از آنجا که نقش جنسی و سنخهای شخصیتی مربوط به آن، یعنی سنخهای جنسیتی زنانه، مردانه و آندروژن، تحت تأثیر جامعه و فرهنگ حاکم برآیند و تاکنون در این زمینه در کشورمان پژوهشی بنیادی انجام نشده است، مسأله اصلی پژوهش حاضر، پس از شناسایی نقشهای جنسیتی حاکم در جامعه زنان شاغل اهواز و همسران آنان، مقایسه ترکیبهای نه‌گانه سنخهای شخصیتی است، تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا در فرهنگ ما نیز زنان و مردانی که هر دو خصوصیت زنانگی و مردانگی را دارند افرادی سالم و موفق می‌باشند؟ ترکیبهای نه گانه سنخهای جنسیتی عبارتند از:

فراوانی سنخ جنسیتی انجام شد توسط بم (۱۹۷۵) بود. بعد از آن، پژوهشگران دیگر رابطه بین جنس و سنخ جنسیتی را بررسی کردند (از جمله لیوینگستون و برلی^۱، ۱۹۹۶؛ برسیک^۲، ۱۹۹۸؛ گرین^۳، ۱۹۹۹). نتایج نشان دادند که با تغییر زمان، فراوانی سنخ آندروژنی هم بیشتر شده است. به طوری که پژوهش هیروکوا، دوهی، یا مادا و می یاتا^۴ (۲۰۰۰) که در سالهای اخیر انجام شده است نشان می‌دهد، فراوانی سنخ جنسیتی آندروژنی در دختران و پسران دانشجوی بیشتر است. علاوه بر آن، دختران گرایش به سنخ جنسیتی مردانه را بیشتر از زنانه نشان می‌دهند. همچنین، ولچ^۵ (۱۹۷۹) در پژوهشی که بر روی سه گروه از زنان غیرشاغل، شاغل حرفه‌ای و شاغل غیرحرفه‌ای انجام داد، نشان داد که رابطه بین اشتغال و سنخ جنسیتی معنی‌دار می‌باشد. میانگین نمره زنان غیرشاغل در مردانگی پایین و در زنانگی بالاست، درحالی که در زنان شاغل حرفه‌ای بر عکس می‌شود، یعنی میانگین نمره‌های مردانگی بالاتر از میانگین نمره‌های زنانگی

- 1- Livingston, & Burley
- 2- Bursik
- 3- Greene
- 4- Hirokawa, Dohi, Yamada & Miyata
- 5- Welch

- ۱- زن مردانه، شوهر آندروژن
 ۲- زن مردانه، شوهر مردانه
 ۳- زن مردانه، شوهر زنانه
 ۴- زن زنانه، شوهر آندروژن
 ۵- زن زنانه، شوهر مردانه
 ۶- زن زنانه، شوهر زنانه
 ۷- زن آندروژن، شوهر آندروژن
 ۸- زن آندروژن، شوهر مردانه
 ۹- زن آندروژن، شوهر زنانه
- در این پژوهش سنخهای نه‌گانه جنسیتی از لحاظ سلامت روانی^۱، به لحاظ اهمیتی که برای عامه مردم دارد، رضایت زناشویی^۲ که از لحاظ خانوادگی و فرهنگی در جامعه و کشور ما بسیار مورد توجه است و هوش هیجانی^۳ که یکی از پدیده‌های علمی قرن جدید می‌باشد، بررسی و مقایسه می‌شوند.
- سلامت روانی و مؤلفه‌های مربوط به آن مانند افسردگی، اضطراب، نورتیسم، اختلالات روان‌تنی، فشار روانی و روشهای مقابله با فشار روانی از جمله موضوعات مهمی بوده‌اند که بم (۱۹۷۸)، به نقل از وودهیل و سامونلز، (۲۰۰۳) و سایر پژوهشگران (از جمله هوئی، انگ و کولین^۴،
- ۱۹۹۴؛ براون^۵، ۲۰۰۱؛ ری و لاجوی^۶، ۱۹۸۵) در سنخهای جنسیتی مورد بررسی قرار داده‌اند و فرض اساسی آنها حمایت از این اصل بوده است که افراد آندروژن نسبت به جنسیت‌های دیگر از سلامت روانی بیشتری برخوردارند. همچنین، شیموناکا و همکاران (۱۹۹۷) در ژاپن، هوئی و همکاران (۱۹۹۴) در پژوهشی بین فرهنگی در سنگاپور، ری و لاجوی (۱۹۸۶) در استرالیا و براون (۲۰۰۱) در آمریکا نشان دادند که افرادی که دارای سنخ جنسیتی آندروژن می‌باشند به طور معنی‌داری از سلامت روانی بهتری برخوردارند.
- مطابق با نظریه بم (۱۹۷۵)، قبول نقش جنسیتی سنتی مردانه و زنانه صرف برای زنان و مردان یعنی قبول ناسازگاری و عدم رضایت در زندگی زناشویی. به عبارت دیگر، نقش جنسیتی زنانه بر روی وظایف خانه‌داری و بچه‌داری زنان تأکید می‌کند و نقش مردانه بر روی شغل بیرون از خانه و نان‌آور بودن مرد متکی است. نقش جنسیتی زنانه بیانگر بیانی بودن، اجتماعی بودن و هیجانی بودن زن و نقش جنسیتی مردانه بر عاملی بودن و ابزاری بودن مرد تأکید می‌کند.

5- Brown
 6- Ray & Lovejoy

1- mental health
 2- marital satisfaction
 3- emotional intelligence
 4- Hui, Ang, & Colleen

(بم، ۱۹۷۵، وودهیل و ساموئلز، ۲۰۰۳؛ زناشویی زمانی بیشتر می‌شود که علاوه بر اسپنس و همکاران، ۱۹۷۵؛ وودهیل و ساموئلز، ۲۰۰۴؛ گاستلو و گاستلو، ۲۰۰۳). لیکن، داشتن یک رابطه زناشویی رضایتمند در گرو وجود هر دو صفت و رفتارهای زنانه و مردانه در زوجین است، چه در جوامع امروزی با تغییر نقش‌های زنان و مردان هر دو طرف نیاز به داشتن صفات و رفتارهای بیانی و ابزاری دارند. به عنوان مثال، هر دو نیاز به دریافت و ابراز محبت دارند و هر دو به اظهار وجود و ابراز نظر نیاز دارند (بم، ۱۹۹۳، به نقل از گراندی، کوردیرو و کراتر^۱، ۲۰۰۵). به نظر بم و سایر طرفداران نظریه آندروژنی، هرگاه در موقعیت زناشویی زوجین آندروژن باشند در مقایسه با زوجینی که ترکیب سنخ جنسیتی دیگری دارند، خشنودی زناشویی بیشتری وجود دارد (از جمله، زامی چیلی، گلوری و شرم^۲، ۱۹۸۸، به نقل از بارون و برن^۳، ۱۹۹۷؛ پیترسون، باکوم، الیوت و فار^۴، ۱۹۸۹؛ جانی و گریم^۵، ۱۹۹۴). همچنین، بر اساس نظریه ترکیبی سنخ‌های جنسیتی دوگانه رضایتمندی

زناشویی زمانی بیشتر می‌شود که علاوه بر این که خود فرد دارای شخصیتی با سنخ جنسیتی آندروژنی است همتای جنسی وی نیز از لحاظ سنخ جنسیتی آندروژن باشد (زامی چیلی و همکاران، ۱۹۸۸، به نقل از بارون و برن، ۱۹۹۷؛ جانی و گریم، ۱۹۹۴؛ گراندی و همکاران، ۲۰۰۵).

بنا بر نظریه بم (۱۹۸۱) سنخ جنسیتی دوگانه دارای انعطاف پذیری رفتاری می‌باشد، زیرا هم خصایص زنانه مانند ابراز هیجان، ابراز همدردی، مهرورزی و هم خصایص مردانه مانند مهار خود، اظهار وجود و مستقل بودن را شامل می‌شود. در مقابل، هوش هیجانی یعنی توانایی تشخیص، درک، فهم و ابراز هیجان، به علاوه مهار و مدیریت هیجانی است (هیس^۶، ۲۰۰۱). انعطاف پذیری و خلاقیت دو ویژگی مشترک هر دو سازه شخصیتی می‌باشند. علاوه بر مشترکات موجود بین این دو سازه، مردان سنخ آندروژن قابلیت بیان هیجانی و دسترسی هیجانی بیشتری نسبت به مردان مردانه یا سنتی دارند. همچنین، زنان سنخ آندروژن توانایی مدیریت هیجانات خود را بیشتر از زنان زنانه یا سنتی دارند (گاستلو و

- 1- Grandey, Cordeiro, & Crouter
- 2- Zammichieli, Glory, & Sherman
- 3- Baron, & Byron
- 4- Peterson, Bacucom, Ellior, & Farr
- 5- Juni, & Grimm

6- Heis

روش تحقیق

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری
جامعه آماری پژوهش عبارت است از کلیه زنان شاغل متأهل دیپلم و بالاتر از آن، شاغل در ادارات، سازمانها، و شرکت‌های دولتی شهر اهواز و همسران آنان. نمونه فرضیه آزمایشی پژوهش عبارت بود از ۸۲۴ نفر از زنان شاغل و همسران آنان (در مجموع ۱۶۴۸ نفر) که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. میانگین سن زنان شاغل ۳۴/۸۷ با انحراف معیار ۸ سال و میانگین سن همسران آنها ۳۹/۰۸ با انحراف معیار ۹ سال بود.

ابزارهای اندازه‌گیری

۱- مقیاس نقش جنسی بم فرم کوتاه^۱:
در این پژوهش جهت تعیین سنخ جنسیتی نمونه مورد پژوهش از پرسشنامه نقش جنسی بم (۱۹۸۱)، فرم کوتاه، استفاده شده است. بم (۱۹۸۱) بر اساس تحلیل عوامل انجام شده بر روی فرم بلند نقش جنسی بم (۱۹۷۵) فرم کوتاه آن را ساخت. فرم کوتاه یک مقیاس ۳۰ ماده‌ای است که شامل ۱۰ ماده زنانگی، ۱۰

گاستلو، ۲۰۰۳). بنا بر همین فرضیه، گاستلو و گاستلو (۲۰۰۳) رابطه سنخ آندروژنی و هوش هیجانی را بررسی کردند و نتایج پژوهش آنها نشان دادند که بین این دو رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه‌های تحقیق

۱- بین فراوانی سه سنخ جنسیتی (زنانه، مردانه و آندروژن) زنان شاغل تفاوت وجود دارد.

۲- بین فراوانی سه سنخ جنسیتی (زنانه، مردانه و آندروژن) همسران زنان شاغل تفاوت وجود دارد.

۳- بین فراوانی سنخهای جنسیتی مربوط به زنان شاغل و همسران آنان در گروههای ترکیبی نه‌گانه تفاوت وجود دارد.

۴- بین ترکیبهای نه‌گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان از لحاظ سلامت روانی تفاوت وجود دارد.

۵- بین ترکیبهای نه‌گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان از لحاظ رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد.

۶- بین ترکیبهای نه‌گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان از لحاظ هوش هیجانی تفاوت وجود دارد.

1- Bem Sex-Role Inventory - Short Form

جدول ۱. ضرایب همبستگی بین فرمهای کوتاه و بلند نقش جنسی بم و مؤلفه‌های آن، به تفکیک جنس در پژوهش حاضر

کل مقیاس	زنانگی	مردانگی	فرم بلند / فرم کوتاه	نوع آزمودنی
۰/۹۹*	۰/۹۹*	۰/۹۹*	مردانگی	زنان
۰/۷۷*	۰/۷۵*	۰/۷۰*		همسران
۰/۹۹*	۰/۹۹*	۰/۹۸*	زنانگی	زنان
۰/۷۵*	۰/۷۲*	۰/۷۳*		همسران
۰/۹۹*	۰/۹۹*	۰/۹۹*	کل	زنان
۰/۷۵*	۰/۷۵*	۰/۷۴*		همسران

* $P < 0/001$

پیرسون محاسبه شد. این ضرایب همبستگی در جدول ۱ نشان داده شده‌اند. تمام ضرایب همبستگی منعکس شده در این جدول در سطح $p < 0/001$ معنی دارند.

بم (۱۹۸۱) همسانی درونی این مقیاس را ۰/۹۰ به دست آورد. در این پژوهش، به منظور برآورد پایایی آزمون فرم کوتاه نقش جنسی بم و مؤلفه‌های آن، ضرایب آلفای کرونباخ آنها محاسبه گردید. ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۰، و مؤلفه‌های آن ۰/۸۲ و ۰/۷۸ به دست آمد که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون می‌باشد.

۲- پرسشنامه سلامت عمومی^۱

1- General Health Questionnaire (GHQ)

ماده مردانگی و ۱۰ ماده مطلوبیت اجتماعی است. بم (۱۹۸۱) جهت محاسبه اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه نقش جنسی، همبستگی آن را با فرم بلند بررسی کرد و ضریب همبستگی بین این دو را ۰/۹۹ به دست آورد. از لحاظ اعتبار فرم فارسی این مقیاس باید گفت که فرم کوتاه انگلیسی مقیاس نقش جنسی بم پس از ترجمه و معادل سازی اصطلاحات توسط چندتن از اساتید روان شناسی آماده استفاده شد. در این پژوهش، به منظور برآورد اعتبار آزمون فرم کوتاه نقش جنسی بم، در مرحله اعتباریابی پژوهش، ضرایب همبستگی بین فرم بلند و کوتاه پرسشنامه نقش جنسی بم و مؤلفه‌های آن، به تفکیک جنس با استفاده از ضریب همبستگی

(GHQ): جهت بررسی و اندازه‌گیری سلامت روانی در این پژوهش از پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) گلدبرگ^۱ (۱۹۷۲)، به نقل از دادستان، (۱۳۷۷) استفاده شده است. به نظر گلدبرگ بهترین و مناسب‌ترین روش نمره‌گذاری استفاده از مدل لیکرت (با نمره‌های ۰-۱-۲-۳) برای گزینه‌های ماده‌های پرسشنامه است. جهت بررسی اعتبار مقیاس، گلدبرگ (۱۹۷۲) همبستگی بین داده‌های حاصل از اجرای دو پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸ ماده‌ای (GHQ-28) و چک لیست علایم ۹۰ ماده‌ای تجدیدنظر شده^۲ (SCL-90-R) را بر روی ۲۴۴ آزمودنی به میزان ۰/۷۸ گزارش نموده است (به نقل از شرقی، ۱۳۸۲). در ایران، شرقی (۱۳۸۲)، جهت هنجاریابی پرسشنامه سلامت عمومی، همبستگی بین این دو مقیاس را ۰/۸۹ گزارش کرده است. در این پژوهش، جهت برآورد اعتبار پرسشنامه GHQ رابطه آن، به طور همزمان، با مقیاس SCL-25 (نجاریان و داودی، ۱۳۸۰) بررسی شد. ضریب همبستگی برای کل ۰/۸۰، زنان ۰/۸۱ و مردان ۰/۷۹ - محاسبه شد که تمام

ضرایب همبستگی به دست آمده در سطح $p < 0/001$ معنی‌دارند. در مقیاس GHQ نمره بالاتر بیانگر عدم سلامت روانی و اختلال بیشتر است در حالی که در مقیاس SCL-25 نمره بالاتر علامت سلامت بیشتر است، زیرا در این مقیاس نمره ۱ به گزینه "شدید" و نمره ۵ به گزینه "هیچ" داده شده است. چنان و چان^۳ (۱۹۸۳)، به نقل از شرقی، (۱۳۸۲) ثبات و همسانی درونی پرسشنامه GHQ را، با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ گزارش نموده‌اند. در این پژوهش، به منظور برآورد پایایی مقیاس سلامت روانی GHQ به بررسی هماهنگی درونی آن پرداخته شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ بود که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است.

۳- مقیاس سنجش خانواده^۴ FAD-1: در این پژوهش جهت اندازه‌گیری رضایت زناشویی از مقیاس سنجش خانواده FAD-I (نجاریان، ۱۳۷۴) استفاده شد که از مقیاس FAD^۵ گرفته شده است. مقیاس FAD توسط اپستاین، بیشاب و لوین^۶ (۱۹۸۳)، به نقل از نجاریان، (۱۳۷۴) ساخته شده است. این

3- Chan
4- Family Assessment Device-I
5- Family Assessment Device
6- Epstein, Bishop, & Levins

1- Goldberg
2- Symptom Checklist – 90 (Revised)

مقیاس به منظور توصیف ویژگیهای سازمانی و ساختاری خانواده ساخته شده است و برای تمیز خانوادههای سالم و بیمار و اندازه‌گیری

الگوی کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ شد که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است. الگوهای تبدیلی میان اعضای خانواده به کار می‌رود. نجاریان (۱۳۷۴) مقیاس FAD ۵۳ ماده‌ای را از طریق تحلیل عوامل در ایران هنجاریابی کرد. نتایج به دست آمده از پژوهش وی ۴۵ ماده را مشخص می‌کند. همبستگی بین FAD (۵۳ ماده) و FAD-1 (با ۴۵ ماده)، ۰/۹۹ بود که بسیار مطلوب است.

در این پژوهش، جهت بررسی اعتبار مقیاس FAD-1 رابطه آن با مقیاس رضایت زناشویی انریچ^۱ (۱۹۸۹) بررسی شد. ضرایب همبستگی بین FAD-1 با آزمون رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹)، به تفکیک جنس و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، محاسبه شد. این ضرایب همبستگی برای کل نمونه ۰/۵۹، برای زنان ۰/۷۸ و برای شوهران ۰/۶۰ بودند. تمام ضرایب همبستگی، در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی‌دارند. در این پژوهش، به منظور برآورد پایایی مقیاس به بررسی هماهنگی درونی آن پرداخته شد. ضریب

آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ شد که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است.

۴- مقیاس هوش هیجانی پترایدز و فارنهام: در این پژوهش جهت اندازه‌گیری هوش هیجانی نمونه مورد پژوهش از مقیاس هوش هیجانی^۲ پترایدز و فارنهام^۳ (۲۰۰۰) استفاده شده است. این پرسشنامه متشکل از ۳۰ ماده است و به هر ماده از ۱ تا ۷ (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) نمره داده می‌شود. پترایدز و فارنهام (۲۰۰۰) جهت اعتباریابی این مقیاس حساسیت درونی بالای آن را گزارش کردند و برای پایایی مقیاس هوش هیجانی ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۸۶ به دست آوردند.

مارانی (۱۳۸۲) با استفاده از روش تحلیل عوامل به هنجاریابی این مقیاس در ایران اقدام کرد. با انجام این تحلیل، در مقیاس و تعداد سؤالات و بارهای عاملی آنها تغییری به وجود نیامد. همچنین، مارانی (۱۳۸۲) در تحلیل سؤالات این مقیاس نشان داد که کلیه سؤالات آن رابطه مثبت و خوبی با نمره کل مقیاس داشتند. ضریب پایایی مقیاس توسط وی به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه شد و

1- ENRICH (Evaluating, Nurturing, Relationship Issues, Communication & Happiness)

2- Emotional Intelligence Scale

3- Petrides, & Furnham

جدول ۲. فراوانی و درصد فراوانی سنخهای جنسیتی آزمودنیها

کل		شوهران		زنان		نمونه‌ها
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	شاخصهای آماری / گروهها
۲۰/۸	۳۱۲	۲۰/۳	۱۵۶	۲۱/۳	۱۵۶	زنانه
۲۰/۹	۳۱۳	۱۹/۹	۱۵۳	۲۱/۹	۱۶۰	مردانه
۲۹/۷	۴۴۵	۲۸/۸	۲۲۱	۳۰/۶	۲۲۴	اندروژن (دو جنسیتی)
۲۸/۶	۴۲۸	۳۰/۹	۲۳۷	۲۶/۱	۱۹۱	نامتمایز
۱۰۰	۱۴۹۸	۱۰۰	۷۶۷	۱۰۰	۷۳۱	جمع

الف- یافته‌های توصیفی

۰/۸۱ بود. در این پژوهش، به منظور برآورد اعتبار آزمون هوش هیجانی پترایدز و فارنهام (۲۰۰۰) ضرایب همبستگی بین آزمون هوش هیجانی شات^۱ و همکاران (۱۹۹۸) و آزمون هوش هیجانی پترایدز و فارنهام (۲۰۰۰) به تفکیک جنس محاسبه شدند. این ضرایب همبستگی برای کل نمونه ۰/۴۰، برای زنان ۰/۳۹، و برای مردان ۰/۳۵ بودند که همگی در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار هستند.

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل فراوانی و درصد فراوانی سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسرانشان و گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی می‌باشند. همچنین، میانگین، انحراف معیار و تعداد افراد در آزمونهای سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی گزارش شده است.

فراوانی و درصد فراوانی سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسرانشان، در جدول ۲ ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود از کل زنان شاغل و همسرانشان که، سنخ جنسیتی آنان معلوم شده است (۱۴۹۸ نفر)، ۴۴۵ نفر یعنی ۲۹/۷ درصد آنان دارای سنخ جنسیتی آندروژن هستند و دیگر یافته‌های این پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها ارائه می‌شوند.

سنخهای جنسیتی سنتی یعنی مردانه و زنانه خود اختصاص داده است. یعنی سنخ به طور مساوی هر کدام حدود ۲۱ درصد نمونه پژوهش را شامل می‌شوند. همچنین، گروه نامتمایز با ۲۸/۶ درصد کل نمونه بعد از آندروژن بالاترین فراوانی سنخ جنسیتی را به خود اختصاص داده است. ستون مربوط به فراوانی و فراوانی درصدی سنخهای جنسیتی همسران (شوهران) نشان می‌دهند که مردان از لحاظ فراوانی و فراوانی درصدی سنخهای جنسیتی تقریباً وضعیتی مشابه زنان دارند. به طوری که در هر گروه سنخ جنسیتی هماهنگ با جنس کمترین درصد نمونه را به خود اختصاص داده است. یعنی سنخ جنسیتی زنان در زنان تنها ۲۱/۳ درصد نمونه را شامل می‌شود و سنخ جنسیتی مردانه در همسران تنها ۱۹/۹ درصد نمونه را در بر می‌گیرد.

قابل ذکر است که در این پژوهش با استفاده از مقیاس نقش جنسی بم نمونه‌های مورد بررسی در چهار سنخ جنسیتی مردانه، زنانه، آندروژن و نامتمایز قرار گرفتند، اما نمونه فرضیه آزمایشی پژوهش را تنها کسانی که دارای سه سنخ جنسیتی مردانه، زنانه و آندروژن بودند تشکیل داده‌اند. به عبارت

جدول ۳: فراوانی و فراوانی درصدی گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی

درصد فراوانی	فراوانی	گروه ترکیبی		گروه
		سنخ جنسیتی مرد	سنخ جنسیتی زن	
۹/۳	۳۳	مردانه	مردانه	۱
۸/۴	۳۰	زنانه	مردانه	۲
۱۱/۸	۴۲	اندروژن	مردانه	۳
۷	۲۵	مردانه	زنانه	۴
۹/۸	۳۵	زنانه	زنانه	۵
۱۱/۲	۴۰	اندروژن	زنانه	۶
۱۰/۷	۳۸	مردانه	اندروژن	۷
۱۱/۲	۴۰	زنانه	اندروژن	۸
۲۰/۵	۷۳	اندروژن	اندروژن	۹
۱۰۰	۳۵۶	جمع		

دیگر، گروه‌های ترکیبی سنخ جنسیتی عبارتند از ترکیب سنخ جنسیتی هر یک از زنان شاغل و همسران آنان، به این ترتیب که ۳ سنخ جنسیتی برای یک زن (زنانه، مردانه و آندروژن) و ۳ سنخ جنسیتی (زنانه، مردانه و آندروژن) برای همسر وی و بسته به اینکه یک زن و شوهر چه سنخ جنسیتی باشند ۹ گروه ترکیبی از سنخ جنسیتی زن و شوهر تشکیل می‌شود.

همان طور که جدول ۳ نشان می‌دهد فراوانترین گروه ترکیبی سنخ جنسیتی در زنان شاغل و همسران آنان، عبارت است از زن آندروژن- مرد آندروژن با ۲۰/۵ درصد و کمترین آن گروه ترکیبی سنتی است یعنی زن زنانه - مرد مردانه با ۷ درصد. همچنین، ترکیب سنخ جنسیتی زن مردانه و مرد زنانه، یعنی ترکیب متضاد، با ۸/۴ درصد نیز نسبت به گروه‌های ترکیبی دیگر کمتر است.

یافته‌های توصیفی گروه‌های ترکیبی نه گانه سنخ‌های جنسیتی از لحاظ سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی در جدول‌های ۴، ۵ و ۶ ارائه شده‌اند. شایان ذکر است که جهت توصیف ویژگی‌های ترکیبی گروه‌های نه گانه سنخ‌های جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان از لحاظ سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی،

نخست در هر یک از گروه‌های ترکیبی نه گانه، نمره زن و نمره همسر او جمع و سپس میانگین آنها گرفته شد. بنابراین، میانگینی که در اینجا گزارش شده است مربوط به زوجین می‌باشد.

همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین‌های عدم سلامت روانی زوجین در گروه‌های مردانه- مردانه (۲۲/۳۵) و مردانه- زنانه (۲۱/۴۴) از گروه‌های دیگر بیشتر است و میانگین‌های عدم سلامت روانی گروه‌های زنانه- آندروژن (۱۷/۶۳) و آندروژن- زنانه (۱۸/۰۷) از گروه‌های دیگر کمترند.

همچنین، با مشاهده این جدول می‌توان ملاحظه کرد که هیچ یک از میانگین‌های آزمون سلامت روانی گروه‌های نه گانه نزدیک به نقطه برش مقیاس ۲۸ نمی‌باشد. نمره بالاتر از ۲۸ علامت تهدید سلامت روانی است.

همان طور که جدول ۵ نشان می‌دهد گروه مردانه- مردانه با میانگین رضایت زناشویی ۱۰۰/۶۶ از همه گروه‌های دیگر از لحاظ رضایت زناشویی در وضعیت بهتری قرار دارد و گروه زنانه- آندروژن با میانگین ۹۰/۸۲، پایین‌ترین میانگین رضایت زناشویی را به خود اختصاص داده است. با توجه به جدول بالا به طور کلی می‌توان گفت که

جدول ۴. میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره گروههای ترکیبی نه گانه در پرسشنامه

GHQ

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد	گروههای ترکیبی		گروه
					سنخ جنسیتی زن	سنخ جنسیتی مرد	
۱۲/۲۳	۲۲/۳۵	۷۰	۴	۳۳	مردانه	مردانه	۱
۱۰/۴۲	۲۱/۴۴	۵۴	۲	۳۰	زنانه	مردانه	۲
۱۱/۹۵	۱۹/۵۶	۷۱	۴	۴۲	اندروژن	مردانه	۳
۱۰/۷۴	۱۸/۸۲	۶۰	۶	۲۵	مردانه	زنانه	۴
۱۰/۵۹	۱۹/۶۹	۵۹	۴	۳۵	زنانه	زنانه	۵
۱۰/۰۱۷	۱۷/۶۳	۴۷	۰	۴۰	اندروژن	زنانه	۶
۸/۹۲	۱۹/۱۹	۴۱	۰	۳۸	مردانه	اندروژن	۷
۱۰/۶۵	۱۸/۰۷	۴۸	۰	۴۰	زنانه	اندروژن	۸
۱۲/۲۷	۱۹/۴۲	۶۴	۰	۷۳	اندروژن	اندروژن	۹

جدول ۵. میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره گروههای ترکیبی نه گانه در پرسشنامه

رضایت زناشویی

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد	گروههای ترکیبی		گروه
					سنخ جنسیتی زن	سنخ جنسیتی مرد	
۹/۰۸	۱۰۰/۶۶	۱۱۸	۸۸	۳۳	مردانه	مردانه	۱
۷/۰۱	۹۴/۰۶	۱۰۸	۸۱	۳۰	زنانه	مردانه	۲
۷/۲۳	۹۳/۱۵	۱۱۵	۸۰	۴۲	اندروژن	مردانه	۳
۸/۶۲	۹۳/۲۴	۱۱۵	۸۱	۲۵	مردانه	زنانه	۴
۶/۸۶	۹۴/۳۶	۱۱۳	۸۱	۳۵	زنانه	زنانه	۵
۶/۸۱	۹۰/۸۲	۱۰۷	۸۰	۴۰	اندروژن	زنانه	۶
۶/۸۹	۹۳/۴۴	۱۰۶	۷۹	۳۸	مردانه	اندروژن	۷
۸/۸۷	۹۱/۶۲	۱۱۰	۷۶	۴۰	زنانه	اندروژن	۸
۸/۵۵	۹۳/۲۹	۱۱۱	۷۲	۷۳	اندروژن	اندروژن	۹

جدول ۶. میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره گروه‌های ترکیبی نه گانه در پرسشنامه هوش هیجانی

بیشترین	کمترین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌های ترکیبی		گروه
					سنخ جنسیتی مرد	سنخ جنسیتی زن	
۱۷۷	۹۲	۱۶/۰۲	۱۴۱/۳۹	۳۳	مردانه	مردانه	۱
۱۹۴	۱۰۷	۱۵/۹۹	۱۴۶/۵۹	۳۰	زنانه	مردانه	۲
۱۸۸	۱۱۵	۱۷/۵۰	۱۴۸/۳۷	۴۲	اندروژن	مردانه	۳
۱۷۹	۹۶	۱۷/۳۰	۱۵۰/۸۲	۲۵	مردانه	زنانه	۴
۱۸	۱۱۴	۱۰/۸۲	۱۴۷/۳۰	۳۵	زنانه	زنانه	۵
۱۸۶	۱۲۹	۱۳/۴۵	۱۵۵/۱۹	۴۰	اندروژن	زنانه	۶
۱۸۱	۱۱۲	۱۶/۱۸	۱۵۳/۱۴	۳۸	مردانه	اندروژن	۷
۱۹۵	۱۳۷	۱۷/۱۴	۱۵۴/۷۰	۴۰	زنانه	اندروژن	۸
۱۸۷	۱۰۱	۱۷/۹۰	۱۵۰/۶۱	۷۳	اندروژن	اندروژن	۹

یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

در این پژوهش جهت آزمون سه فرضیه اول از آزمون مجذور خی استفاده شد. خلاصه نتایج به دست آمده در جدول ۷ ارائه شده‌اند.

همان طور که جدول ۷ نشان می‌دهد مجذور خی مشاهده شده، در رابطه با زنان در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار است. لذا فرضیه ۱ پژوهش تأیید می‌شود، بدین معنا که بین فراوانی سه سنخ جنسیتی (زنانه، مردانه و آندروژن) زنان شاغل تفاوت معنی‌داری

میانگین‌های رضایت زناشویی ۹ گروه از میانگین مورد انتظار مقیاس مورد استفاده رضایت زناشویی (۱۱۲/۵) کمتر است.

همان طور که جدول ۶ نشان می‌دهد میانگین‌های هوش هیجانی زوجین در گروه‌های زنانه- آندروژن (۱۵۵/۱۹)، آندروژن- زنانه (۱۵۴/۷۰) و آندروژن- مردانه (۱۵۳/۱۴) از گروه‌های دیگر بیشتر است و میانگین هوش هیجانی زوجین در گروه مردانه- مردانه (۱۴۱/۳۹) از گروه‌های دیگر کمتر است.

جدول ۷. خلاصه نتایج آزمون مجذور خی مربوط به فراوانی سنخهای جنسیتی در زنان شاغل و همسران آنان و گروههای ترکیبی نه گانه

نمونه	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معنی داری
زنان	۱۶/۱۸	۲	۰/۰۰۱
مردان	۱۶/۷۱	۲	۰/۰۰۱
گروههای ترکیبی	۳۷/۷۸	۸	۰/۰۰۱

وجود دارد. همان طور که در جدول ۲ ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی تفاوت مشاهده می شود در زنان شاغل فراوانی سنخ آندروژنی از زنانه و مردانه بیشتر است. همچنین، همان طور که در جدول ۷ ملاحظه می شود مجذور خی مشاهده شده در رابطه با همسران در سطح $p < 0/001$ معنی دار است. لذا، فرضیه ۲ پژوهش تأیید می شود، بدین معنا که بین فراوانی سه سنخ جنسیتی (زنانه، مردانه و آندروژن) همسران تفاوت معنی داری وجود دارد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود در همسران فراوانی سنخ آندروژنی از زنانه و مردانه بیشتر است. به علاوه، همان طور که جدول ۷ نشان می دهد مجذور خی به دست آمده در ارتباط با گروههای ترکیبی در سطح $p < 0/001$ معنی دار است. لذا، فرضیه ۳ پژوهش تأیید می شود، بدین معنا که بین فراوانی گروههای

ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی تفاوت معنی داری وجود دارد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود فراوانترین گروه ترکیبی سنخ جنسیتی در زنان شاغل و همسران آنان عبارت است از زن، آندروژن و مرد، آندروژن با فراوانی ۷۳ و کمترین آن گروه ترکیبی سستی است یعنی زن زنانه و مرد مردانه با فراوانی ۲۵.

به منظور آزمون فرضیه های ۴، ۵ و ۶ یعنی بررسی تفاوت سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی زوجین در گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی از تحلیل واریانس چند متغیری^۱ استفاده شد که نتایج در جدول ۸ نشان داده شده اند.

همان طور که در جدول ۸ ملاحظه

جدول ۸. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری برای مقایسه میانگین نمره سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی زوجین در گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی

نوع اثر	نام آزمون	ارزش	F	df فرضیه	df خطا	سطح معنی داری
اثر گروه	اثر پیلایپی*	۰/۱۳	۱/۹۶	۲۴	۱۰۴۱	۰/۰۰۱
	ویلکزلامبدا**	۰/۸۷	۱/۹۹	۲۴	۱۰۰۱/۲۱	۰/۰۰۱
	اثر هتلینگ***	۰/۱۴	۲/۰۲	۲۴	۱۰۳۱	۰/۰۰۱
	بزرگترین ریشه روی***	۰/۱۱	۴/۷۱	۸	۳۴۷	۰/۰۰۱

* Pillais Trace

** Wilks Lambda

*** Hotelligs Trace

**** Roys Largest Root

می‌شود همه آزمونهای تحلیل واریانس چند متغیری در سطح $p < 0/001$ معنی دار می‌باشند. بر این اساس، می‌توان بیان داشت

که دست کم در یکی از متغیرهای وابسته (سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی) بین گروههای نه گانه تفاوت معنی دار وجود دارد.

جهت بررسی تفاوت معنی دار هریک از متغیرهای سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی به طور جداگانه سه تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا برای سلامت روانی، رضایت زناشویی و

جدول ۹. نتایج تحلیل واریانسهای یک راهه در متن مانوا برای سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی زوجین در گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
سلامت روانی	۵۷۸/۳۹	۸	۷۲/۳۰	۰/۹۱	۰/۵۱
رضایت زناشویی	۲۱۵۴/۵۴	۸	۲۶۹/۳۲	۴/۳۵	۰/۰۰۱
هوش هیجانی	۵۳۴۱/۶۲	۸	۶۶۷/۷۰	۳/۵۴	۰/۰۰۱

در ترکیبهای نه گانه سنخهای جنسیتی تفاوت معنی داری در سطح $p < 0/001$ وجود دارد. لذا، فرضیه ۵ تأیید می شود. جهت مقایسه زوجی میانگین نمره های رضایت زناشویی زوجین در گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی از آزمون پیگیری شفه استفاده شد که نتایج در جدول ۱۰ ارائه شده اند. همان طور که مندرجات جدول ۱۰ نشان می دهند میانگین نمره های رضایت زناشویی زوجین در گروه ترکیبی مردانه-مردانه به طور معنی داری از گروههای ترکیبی آندروژن- آندروژن، آندروژن- زنانه، زنانه- آندروژن و مردانه- آندروژن بیشتر است. جدول ۹ نشان می دهد که بین میانگین نمره های هوش هیجانی زوجین در ترکیبهای نه گانه سنخهای جنسیتی تفاوت معنی دار در سطح $p < 0/001$ وجود دارد. لذا، فرضیه ۶ تأیید می شود. نتایج حاصل از مقایسه جدول ۱۰. نتایج آزمون پیگیری شفه مربوط به تفاوت میانگین نمره های رضایت زناشویی زوجین در گروههای ترکیبی نه گانه

گروه ترکیبی	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	گروه ۵	گروه ۶	گروه ۷	گروه ۸	گروه ۹
۱- مردانه - مردانه		۶/۶	* ۷/۵۱	۷/۴۱	۶/۳	* ۹/۸۴	۷/۲۲	* ۹/۰۴	* ۷/۳۷
۲- مردانه - زنانه			۰/۹۱	۰/۸۲	۰/۳۱	۳/۲۴	۰/۶۲	۲/۴۴	۰/۷۷
۳- مردانه - آندروژن				-۰/۱	-۱/۲۲	۲/۳	۰/۳	۱/۵۲	-۰/۱۴
۴- زنانه - مردانه					-۱/۱۲	۲/۴۳	-۰/۲	۱/۶۲	-۰/۵
۵- زنانه - زنانه						۳/۵۵	۰/۹	۲/۷۴	۱/۰۷
۶- زنانه - آندروژن							۲/۶۳	۰/۸	-۲/۴۷
۷- آندروژن - مردانه								۱/۸۲	۰/۱۵
۸- آندروژن - زنانه									-۱/۶۷
۹- آندروژن - آندروژن									

* $P < 0/05$

جدول ۱۱. نتایج آزمون پیگیری شفه مربوط به تفاوت میانگین نمره‌های هوش هیجانی زوجین در گروه‌های ترکیبی نه گانه

گروه ترکیبی	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	گروه ۵	گروه ۶	گروه ۷	گروه ۸	گروه ۹
۱- مردانه- مردانه		-۴/۹۰	-۶/۶۶	-۹/۱۰	-۵/۵۹	-۱۳/۴۸*	-۱۱/۴۳	-۱۲/۹۶*	-۹
۲- مردانه- زنانه			-۱/۷۵	-۴/۲۰	-۰/۶۸	-۸/۵۷	-۶/۵۲	-۸/۰۶	-۴
۳- مردانه- آندروژن				۲/۴۴	۱/۰۷	-۶/۸۲	-۴/۷۷	-۶/۳۱	-۲/۲۳
۴- زنانه- مردانه					۳/۵۲	-۴/۳۸	-۲/۳۲	-۳/۸۶	۰/۲۱
۵- زنانه- زنانه						-۷/۸۹	-۵/۸۴	-۷/۳۸	-۳/۳
۶- زنانه- آندروژن							۲/۰۵	۰/۵۲	۴/۵۹
۷- آندروژن- مردانه								-۱/۵۴	۲/۵
۸- آندروژن- زنانه									۴/۰۷
۹- آندروژن- آندروژن									

* $P < 0.05$

زوجی میانگین نمره‌های هوش هیجانی آندروژن- زنانه و زنانه - آندروژن کمتر زوجین در گروه‌های ترکیبی نه گانه در جدول ۱۱ ارائه شده است.

همان طور که در جدول ۱۱ ملاحظه

می‌شود میانگین نمره‌های هوش هیجانی زوجین در گروه ترکیبی مردانه- مردانه به طور معنی‌داری از گروه‌های ترکیبی در این قسمت به بحث و نتیجه‌گیری درباره نتایج به دست آمده و مقایسه آنها با پژوهش‌های قبلی پرداخته شده است.

می‌کردند در حالی که در سال ۱۹۹۰ بیشتر از ۷۰ درصد آنان بیرون از خانه کار می‌کردند. علاوه بر آن، نقشهای مردان نیز تغییر پیدا کرده است، از جمله آن که وظیفه مراقبت و نگهداری کودکان را بیشتر از قبل بر عهده می‌گیرند. حتی، در برنامه‌های تلویزیونی و فیلمها بیشتر در مردان احساسات و هیجانات نشان داده می‌شود (آستر و اهم، ۲۰۰۰).

همزمان با سایر کشورها در نقشهایی که زنان ایرانی بر عهده دارند نیز تغییر و تحول بسیاری رخ داده است. به عنوان مثال، بر اساس آمارهای سرشماری در سال ۱۳۶۵، مشارکت زنان در جامعه ۸/۲ درصد بوده است، در حالی که در سال ۱۳۸۳ به ۱۴/۲ درصد رسیده است (علافر، ۱۳۸۳). پس تفاوتی که این یافته پژوهش با یافته‌های برخی دیگر از پژوهشها دارد به علت تغییر در باورها و کلیشه‌های جنسیتی است (بم، ۱۹۸۱؛ واگان و فیشر^۲، ۱۹۸۱). همچنین ویژگی خاص جامعه مورد بررسی پژوهش، یعنی اشتغال زنان و به عبارت دیگر کار بیرون از خانه داشتن میانگین زنانگی را در آنان پایین آورده است (ولچ، ۱۹۷۹).

۱- نتایج به دست آمده در خصوص فراوانی سنخهای جنسیتی نشان داد که فراوانی سنخ جنسیتی آندروژن در زنان شاغل و همسران آنان به طور معنی‌داری بیشتر از سنخهای زنانه و مردانه بوده است. همچنین، در گروه مزبور، فراوانی سنخ جنسیتی زنانه در زنان و سنخ جنسیتی مردانه در مردان کمتر از سنخهای جنسیتی دیگر بود. این یافته با برخی یافته‌های پژوهشی (از جمله برسیک، ۱۹۹۸؛ ولچ، ۱۹۷۸؛ هیروکاو و همکاران؛ ۲۰۰۰ و گاستلو و گاستلو، ۲۰۰۳) هماهنگ و با برخی دیگر (از جمله بم، ۱۹۸۱؛ لیوینگستون و برلی، ۱۹۹۶؛ گرین، ۱۹۹۹) ناهماهنگ است. نتایج برخی از پژوهشها بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار بین جنس و جنسیت بود. بدین معنا که نمره‌های سنخ مردانه در مردان و نمره‌های سنخ زنانه در زنان از سایر سنخهای جنسیتی بیشتر بودند (لیوینگستون و برلی، ۱۹۹۶). ولی همان طور که دامجی و لسی^۱ (۲۰۰۱) معتقدند در دهه‌های اخیر حضور زنان خصوصاً زنان متأهل و حتی زنان متأهل با بچه در محیط کار بیشتر شده است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۰ چهل درصد زنان بیرون از خانه کار

2- Vaughan, & Fisher

1- Damji & Lee

۲- فرضیه تفاوت سلامت روانی در گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان با توجه به میانگین سلامت روانی زوجین رد شد. این یافته با برخی یافته‌های پژوهشی (از جمله بم، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۸، به نقل از وودهیل و سامونلز، ۲۰۰۳؛ براون، ۲۰۰۱) ناهماهنگ بوده است. در تبیین این ناهماهنگی، در ابتدا می‌توان به نظریه وودهیل و سامونلز (۲۰۰۳) اشاره نمود. وودهیل و سامونلز (۲۰۰۳) با بیان نظریه‌ای جدید در رابطه با آندروژنی بر این عقیده هستند که علی‌رغم وجود بسیاری از پژوهشها که بیانگر ویژگیهای مثبت در آندروژنها هستند، پژوهشهای دیگری نیز وجود دارند که نتایج آمیخته‌ای ارائه داده‌اند (به نقل از وودهیل و سامونلز، ۲۰۰۳). بر این اساس، این نظریه پردازان نظریه آندروژنی عنوان شده توسط بم (۱۹۷۴) را نظریه آندروژنی سنتی نامیده‌اند و در مقابل آن نظریه‌ای جدید در مورد آندروژنی، تحت عنوان آندروژنی مثبت و منفی مطرح می‌کنند. این نظریه با مدل چند بعدی از مدل‌های نه گانه کرایبک و مک کریری (۲۰۰۰) در رابطه با ابعاد جنسیت متناسب است. بر اساس این مدل، ابعاد هویت و نقشهای جنسیتی بیش از دو بعد مطرح شده توسط بم (۱۹۷۵) هستند.

وودهیل و سامونلز (۲۰۰۴) چهار بعد یا چهار سنخ جنسیتی زنانه مثبت، زنانه منفی، مردانه مثبت و مردانه منفی را به عنوان چهار بعد و عامل جداگانه جنسیتی پیشنهاد می‌کنند. به نظر این پژوهشگران همان گونه که برخی از صفات مردانه و زنانه مثبت هستند، مثل مهربان بودن یا قاطع بودن، و برخی از آنها، مانند حساس بودن بیش از حد و یا پرخاشگری، می‌توانند صفات منفی محسوب شوند و به دلیل اینکه آندروژنی نیز ترکیبی از صفات زنانه و مردانه است، می‌توان آندروژنی مثبت و منفی داشت. پس بنابر نظر این پژوهشگران وقتی که اشخاص دارای سنخ جنسیتی آندروژنی مثبت باشند لزوماً می‌توان انتظار داشت که تمام ویژگیهای مثبت، مانند دوست داشتنی بودن، سازگاری روانی و بهزیستی روانی، در آنها دیده شود ولی وقتی که سنخ جنسیتی آنها آندروژنی منفی باشد دیگر نباید انتظار ویژگیهای مثبت در آنها را داشت. شاید بتوان یکی از دلایل عدم هماهنگی نتیجه مربوط به این فرضیه را با یافته‌های پژوهشهای قبلی خصوصاً یافته‌های بم (۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۸۱، به نقل از وودهیل و سامونلز، ۲۰۰۳) مربوط به تفاوت بین آندروژنی مثبت و آندروژنی منفی دانست.

علاوه بر آن، گلدبرک (۱۹۷۸)، به نقل از شرقی، (۱۳۸۲) معتقد است که نقطه برش سلامت روانی و تهدید سلامت روانی در مقیاس GHQ نمره ۲۸ است، یعنی حد پایین نمره‌ها مربوط به کسانی است که طی یک ماه گذشته، سلامت روانی آنها در هیچ یک از ملاکهای مطرح شده در پرسشنامه، تهدید نشده است و نمره ۲۸ گرفته‌اند. حد بالای نمره‌ها مربوط به کسانی است که طی یک ماه گذشته از تکمیل پرسشنامه، سلامت روانی آنها با توجه به ملاکهای مطرح شده در پرسشنامه، تهدید شده و نمره ۸۴ دریافت کرده‌اند. بنابراین، با مشاهده میانگین سلامت روانی گروههای ترکیبی نه گانه می‌توان ملاحظه کرد که میانگین سلامت روانی گروههای مردانه- مردانه و مردانه- زنانه که بالاترین بوده‌اند از نقطه برش ۲۸ کمتر می‌باشند و این بیانگر آن است که همه گروههای زنان شاغل و همسران آنان به طور کلی دارای مشکلات مربوط به سلامت روانی نبوده‌اند.

۳- فرضیه تفاوت رضایت زناشویی در گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان با توجه به میانگین رضایت زناشویی زوجین تأیید شد. این یافته با برخی یافته‌های پژوهشی (از جمله بم، ۱۹۷۵؛ پیترسون و همکاران، ۱۹۸۹؛ هیروکاوا و همکاران، ۲۰۰۰؛ هینس^۱، ۲۰۰۴)، از آن جهت که تفاوت معنی‌دار بین گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی نشان داده است، هماهنگ می‌باشد. یافته‌های این پژوهش در رابطه با رضایت زناشویی هر چند که از لحاظ وجود تفاوت معنی‌دار بین گروههای ترکیبی سنخهای جنسیتی زوجین با یافته‌های پژوهشهای ذکر شده هماهنگ‌اند ولی اکثر یافته‌های قبلی رضایت زناشویی بالاتری را در گروه ترکیبی زوجین آندروژن گزارش کرده‌اند. پیترسون و همکاران (۱۹۸۹) نشان دادند که در زوجین بدون مشکل، سنخ آندروژن فراوانترین است. همچنین، هیروکاوا و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند افرادی که دارای همسرانی با سنخ جنسیتی آندروژن هستند از سازگاری بین شخصی زیادتری نیز برخوردارند. جانی و گریم (۱۹۹۴) نشان می‌دهند که گروه زوجین آندروژن، بالاترین "ارتباط عاطفی" و رضایت زناشویی را دارند، در حالی که، در پژوهش حاضر رضایت زناشویی زوجین در گروه ترکیبی مردانه - مردانه بیشتر است. در تبیین این یافته می‌توان بر عامل

1- Hines

ترکیبی زنان شاغل و همسران آنان زیر میانگین بوده است و در این رابطه شاید بتوان گفت شاغل بودن زنان در همه گروههای ترکیبی نه گانه می‌تواند به عنوان عامل تأثیرگذار بر کم شدن رضایت زناشویی باشد. ۴- فرضیه تفاوت هوش هیجانی در گروههای ترکیبی نه گانه سنخهای جنسیتی زنان شاغل و همسران آنان با توجه به میانگین هوش هیجانی زوجین تأیید شد. این یافته با برخی یافته‌های پژوهشی (از جمله گاستلو و گاستلو، ۲۰۰۳؛ اندرسون^۱، ۱۹۸۶ و کانتی^۲، ۲۰۰۱) هماهنگ است. گاستلو و گاستلو (۲۰۰۳) معتقدند که دو ویژگی مشترک هوش هیجانی و سنخ جنسیتی آندروژنی انعطاف پذیری و خلاقیت است. بنابر نظریه بم (۱۹۷۵) سنخ جنسیتی آندروژن انعطاف پذیری رفتاری دارد زیرا خصایص زنانگی مانند ابراز هیجان، همدردی، مهرورزی و خصایص مردانگی مانند مهار خود، اظهار وجود و مستقل بودن را شامل می‌شوند. به نظر هیس (۲۰۰۱) هوش هیجانی مستلزم توانایی تشخیص، درک، فهم و ابراز هیجان و علاوه بر آن مهار و مدیریت هیجانی می‌باشد. به عبارت دیگر، طرفداران

فرهنگی تأکید نمود، زیرا در جامعه مورد بررسی پژوهش حاضر، یعنی زنان شاغل شهر اهواز و همسران آنان، داشتن ویژگیهای مردانه، یعنی داشتن ویژگیهای مثبت. در این فرهنگ، زمانی که بخواهند یک زن را بسیار توانمند و مدیر در انجام امور خانه، بیرون از خانه و محیط کار نام ببرند آن را همانند یک مرد توصیف می‌کنند و به همین لحاظ کسانی که این ویژگیهای مردانه را دارند نه تنها رضایت زناشویی بیشتری در خود احساس می‌کنند بلکه باعث رضایت زناشویی بیشتری در همسر خود می‌شوند.

علاوه بر تفاوت فرهنگی، شاید بتوان یکی دیگر از علل تفاوت رضایت زناشویی در گروههای ترکیبی نه گانه زوجین با سنخهای جنسیتی متفاوت در این پژوهش با پژوهشهای قبلی را نوع مقیاس مورد استفاده جهت تعیین رضایت زناشویی دانست. در این مقیاس که تحت عنوان مقیاس FAD-1 یا مقیاس سنجش خانواده معروف است، رضایت از روابط جنسی زناشویی بررسی نمی‌شود شاید در مورد روابط جنسی یک زن دارای ویژگی مردانه، برای خود و شریک جنسی خود چندان رضایتبخش نباشد. همچنین، با توجه به مقیاس FAD-1، رضایت زناشویی زوجین در همه گروههای

1- Anderson

2- Conti

نظریه آندروژنی معتقدند که افراد دارای سنخ جنسیتی آندروژن نسبت به سنخ‌های جنسیتی سنتی دارای آزادی روان شناختی هستند و اسیر باورهای کلیشه‌ای سنتی مردانه یا زنانه خود نمی‌باشند. بر همین اساس است که از قدرت سازگاری زیادی در موقعیتهای مختلف برخوردارند (بم، ۱۹۷۵؛ اسپنس و همکاران، ۱۹۷۵؛ گاستلو و گاستلو، ۲۰۰۳).

طرفداران این نظریه، افراد دارای این سنخ جنسیتی بیشتر از دیگران دچار مشکلات روانی و اجتماعی هستند، پیشنهاد می‌شود که کلیه مسئولین و دست اندرکاران امور تربیتی و آموزشی در رشد روانی- جنسیتی کودکان و نوجوانان، و حتی جوانان، وقت و هزینه بیشتری صرف کنند. عدم توجه به قالب‌های کلیشه‌ای و سنتی جنسیتی در رشد روانی- جنسیتی افراد به معنای رها شدگی کلی آنان نیست، بلکه تلاش جهت شکوفا شدن همه توانمندیهای مثبت مربوط به خصائص زنانگی و مردانگی است.

در خاتمه با توجه به این که بعد از سنخ جنسیتی آندروژن و با کمی تفاوت، سنخ نامتمایز، بیشترین فراوانی را داشت، و مطابق با نظریه آندروژنی بم (۱۹۷۵) و دیگر

منابع

فارسی

- دادستان، پربرخ (۱۳۷۷). تنیدگی یا استرس: بیماری جدید تمدن. تهران. انتشارات رشد.
- شرقی، علی (۱۳۸۲). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی زناشویی و سلامت روان معلمان زن دوره ابتدائی و همسران آنها در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- علافر، صدیقه (۱۳۸۳). اشتغال زنان و چالشهای آن. پیام زن، ویژه نامه زن در جمهوری اسلامی ایران/ دفتر چهارم ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری، سال سیزدهم، شماره سیزدهم، ص ۱۳۴.

- مارانی، مرضیه (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه ویژگیهای هوش عاطفی در بین دانشجویان و دانش آموزان شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه اصفهان.
- نجاریان، فرزانه (۱۳۷۴). عوامل مؤثر در کارایی خانواده (بررسی ویژگیهای روان سنجی مقیاس سنجش خانواده، FAD-I). پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- نجاریان، بهمن و خدارحیمی، سیامک (۱۳۷۷). دوگانگی جنسی (آندروژنی). مجله تازه‌های روان درمانی، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۳۰.
- نجاریان، بهمن و داودی، ایران (۱۳۸۰). ساخت و اعتباریابی SCL-25 (فرم کوتاه شده SCL-90-R). مجله روان شناسی علمی - پژوهشی، شماره ۱۸، فصلنامه انجمن روان شناسی، ص ۱۳۶.

لاتین

- Anderson, K. L. (1986). Androgyny, flexibility, and individualism. *Journal of Personality Assessment*, 50(2), 265-278.
- Auster, C.J., & Ohm, S.C. (2000). Masculinity and femininity in contemporary American society: A reevaluation using the Bem Sex-Role Inventory. *Sex Roles: Available in [www.look smart](http://www.looksmart.com)*.
- Baron, R., & Byrne, D. (1997). *Social Psychology*. USA: Allyn & Bacon
- Bem, S. L. (1974). The measurement of psychological androgyny. Available in [http:// www.garysturt.free- online.co.uk/bem.htm](http://www.garysturt.free-online.co.uk/bem.htm).
- Bem, S. L. (1975). Sex-role adaptability: One consequence of psychological androgyny. *Journal of Personality and Social Psychology*, 31, 634-643.
- Bem, S. L. (1981). *Bem Sex-Role Inventory: Professional manual*. Palo Alto: Consulting Psychologists Press.
- Brown, D. (2001). Relationship between sex-role identity and mental health. Available in www.findarticles.com.
- Burisk, K. (1998). Moving beyond gender differences: Gender role comparisons of manifest dream content. *Sex roles: A Journal of Research*, Feb. Available in www.indarticles.com.

- Conti, R. (2001). The impact of competition on intrinsic motivation and creativity: Considering gender, gender segregation and gender role orientation. *Personality and Individual Differences*, 30, 1273- 1289.
- Damji, T., & Lee, C. M. (2001). Gender role identity and perceptions of Ismaili Muslim men and women. *The Journal of Social Psychology*, 135(2), 215-223.
- Grandey, A.A., & Cordeiro, B.L., & Crouter, A.C. (2005). A longitudinal and multi- source test of the work-family conflict and job satisfaction relationship. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 78, 305- 323.
- Greene, B.A. (1999). Goals, values, and belief as predictors of achievement and effort in high school mathematics classes. *Sex roles: A Journal of Research*, Available in [www.find articles](http://www.findarticles.com).
- Guastello, D. D., & Guastello, S. J. (2003). Androgyny, gender role behavior, and emotional intelligence among college students and their parents. *A Journal of Research*. Available in <http://www.Findarticles.Com/cf-dls/m2294/11-12-49/111635868/>.
- Heis, S. (2001). Emotional intelligence. Available in [www. Eiq.org/history](http://www.Eiq.org/history).
- Hines, M. (2004). Androgen, estrogen, and gender: Contribution of the early hormone environment to gender-related behavior. In A.H. Eagly., A.E. Beall., & R.J. Sternberg (Eds), *The Psychology of Gender*, 9-38. The Guilford Press.
- Hirokawa, K., & Dohi, I., & Yamada, F., & Miyata, Y. (2000). The effect of sex, self gender type, and partners gender type on interpersonal adjustment during a first encounter: Androgynous and stereotypically sex- typed couples. *Journal of Psychological Research*, 42(2), 102-109.
- Hui, P., & Ang, R., & Colleen, W. (1994). A cross-cultural perspective on models of psychological androgyny. *Journal of Social Psychology*, 134, 91-93.
- Juni, S. & Grimm, D.W. (1994). Marital satisfaction as a function of dynamic gender – role constellations. *The American Journal of Family Therapy*, 22 (2), 106-112
- Korabik, K., & McCreary, D. (2000). Testing a model of socially desirable and undesirable gender – role attributes. Available in [www. Look smart](http://www.Looksmart.com).
- Livingston, M., & Burley, K. (1996). The importance of being feminine: Gender, sex role, occupational and marital role commitment, and their relationship to anticipated work family conflict. *Journal of Social Behavior & Personality*, 11(5), 179-183.
- Peterson, C.D., Baucom, P.H., Elliot, M.I., & Farr, P.A. (1989). The relationship between sex role identity and marital adjustment. *Journal of Sex Roles*, 21(11-12), 775-787.

- Petrides, K.V., & Furnham, A. (2000). On the dimensional structure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 29, 313-320.
- Pryzgodna, J., & Chrisler, J.C. (2000). Definitions of gender and sex: The subtleties of meaning. *Sex Roles: A Journal of Research*, 1-14.
- Quackenbush, R.L. (1990). Sex roles and social- sexual effectiveness. *Social Behavior and Personality*, 18(1), 35-40.
- Ray, J.J., & Lovejoy, F.H. (1985). The great androgyny myth: Sex roles and mental health in the community at large. *The Journal of Social Psychology*, 124, 237-246.
- Schutte, N.S., Malouff, J.M., Hall, L.E. Haggerty, D.Y., Cooper, Y.T., Golden, C.J., et al. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Shimonaka, Y., Nakazato, K., Kawai, CH., & Sato, SH. (1997). Androgyny and successful adaptation across the life span among Japanese adults. *Journal of Genetic Psychology*, 158 (4), 389- 400.
- Spence, J.T., Helmrich, R.L., & Stapp, J. (1975). Rating of self and person on sex role attributes and their relation to self-esteem and conceptions of masculinity and femininity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 32, 29-39.
- Vaughan, J. E., & Fisher, V. L. (1981). The effect of traditional and cross-sex modeling on children's sex- role attitudes and behaviors. *The Journal of Psychology*, 107, 253-260.
- Ward, C. (2000). Models and measurements of psychological androgyny: A cross – cultural extension of theory and research. Available in *www. Look smart*.
- Welch, R.L. (1979). Androgyny and derived identity in married women with varying degrees of non- traditional role involvement. *Psychology of Women Quarterly*, 3 (3), 308-315.
- Woodhill, B. M., & Samuels, C. A. (2004). Desirable and undesirable androgyny: A prescription for the twenty-first century. *Journal of Gender Studies*, 13(1), 15-28.
- Woodhill, I., & Samuels, C. (2003). Positive and negative androgyny and their relationship with psychological health and well being. Available in *www. Look smart*.
- Zhang, J., Norvilitis, J., & Jin, S. (2001). Measuring gender orientation with the Bem Sex Role Inventory in Chinese culture. Available in *www. Look smart*.